نقش رادیو در دفاع مقدس در گفت‌وگوی «جوان» با مسعود بابازاده از خبرنگاران جنگ

«صدا» در پیگیری اخبار جنگ جایگاه ویژه‌ای داشت

■ احمد محمدتبریزی

در دوران دفاع مقدس و در روزگار نبود اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، رادیو فراگیرترین و تأثیرگذارترین رسانه به شمار می‌رفت. مردم شب و روز پای اخبار و گزارش‌های رادیویی می‌نشستند تا در جریان وضعیت جبهه‌ها و رزمندگان قرار بگیرند. گزارشگران رادیویی با ناگرا و ضبط‌صوت‌های بزرگشان به مناطق عملیاتی می‌رفتند و با وجود تمام خطرات و تهدیدها گزارش‌هایشان را می‌گرفتند تا از طریق امواج رادیویی به خانه‌های مردم برسد. رادیو در جبهه و پشت جبهه اصلی‌ترین نقش را ایفا می‌کرد. در هر سنگر، خانه یا مغازه رادیویی برای کسب اخبار وجود داشت و این رسانه محبوب‌ترین و پرکاربردترین رسانه میان مردم و رزمندگان بود. مسعود بابازاده در دوران دفاع مقدس برای رادیوزنجان گزارش و گفت‌وگو تهیه می‌کرد و در گفت‌وگو با «جوان» از تأثیرگذاری این رسانه بر جامعه و وظیفه پرخطر خبرنگاران می‌گوید.

عکس در زمین است

در زمان جنگ چه وسیله ارتباطی در جبهه و پشت جبهه خیلی فراگیرتر از باقی رسانه‌ها بود؟

آن زمان تلویزیون‌های سیاه و سفید بود ولی رادیو پرکاربردترین رسانه در جامعه و جبهه بود. در مناطق جنگی همه رزمندگان رادیوهای کوچکی در اختیار داشتند. رادیوهایی را که قبل از جنگ داشتند، با خود به جبهه آورده بودند. خاطرم هست قبل از شروع جنگ تحمیلی و در ناآرامی‌های کردستان به رزمندگان یک رادیوی ترانزیستوری می‌دادند که دو باتری قلمی می‌خورد. همه با رادیو سر می‌کردیم. در جبهه تلویزیون در نمازخانه‌ها بود و کسانی که دوست داشتند اخبار را از تلویزیون ببینند به نمازخانه یا جاهای دیگری که تلویزیون داشت، می‌رفتند. عمدتاً اخبار را ساعت ۲ بعدازظهر و ۸ شب از بلندگو پخش می‌کردند تا همه بشنوند. با این حال همه یک رادیو را در چادرهایشان داشتند. فرماندهان رادیو ضبطی داشتند و کسی از اخبار غفلت نمی‌کرد و همه دائم در حال شنیدن خبرها بودند.

پشت جبهه هم رادیو همین فراگیری و میزان مخاطب را داشت؟

رادیو زمان جنگ ۲۴ساعته خبرهای مناطق جنگی را مخابره می‌کرد و به خاطر پخش آژیر خطر در خانه‌ها شبانه‌روز باز بود. وقتی آژیر خطر پخش می‌شد، مساجد و ارگان‌ها در بلندگوهایشان آژیر را پخش می‌کردند تا همه بشنوند. آن زمان تلویزیون هم در خانه‌ها بود ولی برنامه‌هایش محدود بود و تازگی و جذابیت برنامه‌های رادیو را نداشت. رادیو قبراق‌تر از تلویزیون کار می‌کرد. به ویژه اینکه در شهرستان‌ها و روستاها مردم بیشتر با رادیو ارتباط برقرار می‌کردند و تلویزیون بین مردم خیلی گستردگی نداشت. حتی امام خمینی هم رادیو داشتند. در خاطرات امام آمده است که با رادیویی که همیشه همراهشان بود، رادیوهای خارجی را می‌گرفتند و گوش می‌کردند. رادیو در دوران دفاع مقدس عمده‌ترین نقش را بازی می‌کرد. در لشکرها هم تلویزیون جاهای معدودی پیدا می‌شد ولی رادیو در تمامی سنگرها بود. در پشت جبهه هم با امام‌جمعه‌ها مصاحبه می‌کردند، آنها هم تمام صحبت‌هایشان از جنگ و جبهه بود. عراق هم رادیوبغداد داشت. از رادیوبغداد ترانه‌های لس‌آنجلسی پخش می‌شد و فکر می‌کردند رزمندگان این آهنگ‌ها را گوش می‌کنند. در شهرستان‌های غربی رادیوبغداد گرفته می‌شد. منافقین هم در شبکه برنامه داشتند. رادیو مجاهد و بی‌بی‌سی هم بودند. خاطرم هست قبل از انقلاب هم مردم بیشتر اخبار را از طریق رادیو دریافت می‌کردند. ساعت حدود ۸ شب که می‌شد برادرم به خانه می‌آمد و رادیوی بزرگی را که در خانه بود، روشن می‌کرد و همه با هم اخبار گوش می‌کردیم.

پس جنگ رسانه‌ای به شکل سنتی‌تر آن در کنار جنگ نظامی وجود داشت؟

خیلی بحث خوبی باز شد که تا به حال کمتر به آن پرداخته شده است. دشمن که می‌دید مردم ایران علاقه‌ای به ترانه‌های پخش شده در شبکه‌های رادیویی ندارند، در اردوگاه‌ها برنامه‌های رادیوبغداد را در بلندگوها پخش می‌کردند تا آزادگان مجبور باشند آهنگ‌ها و برنامه‌هایشان را بشنوند. منافقین هم برنامه‌هایشان را از طریق رادیو پخش می‌کردند و آزادگان به اجبار باید شنونده برنامه‌هایشان می‌شدند. این کارها نوعی عذاب هم بود. رادیو عراق دائم کار می‌کرد و حتی روحانیونی مثل شیخ علی تهرانی علیه امام خمینی حرف می‌زدند و می‌خواستند ذهن آزادگان را خراب کنند. اینها فکر می‌کردند رزمندگان با شنیدن صحبت‌های یک روحانی از اعتقاد و ارادتشان نسبت به امام کم می‌شود یا در ماه‌هایی مثل ماه رمضان که آزادگان بیشتر به عبادت و خودسازی مشغول بودند شدت برنامه‌هایشان را بیشتر می‌کردند تا آزادگان را اذیت کنند. دشمن در کنار جنگ نظامی از طریق رسانه، جنگی ناشیانه را راه‌انداخته بود که تأثیرگذاری زیادی نداشت.

آیا ما هم رادیویی برای مردم عراق داشتیم؟

فکر می‌کنم ما هم یک رادیوعربی داشتیم ولی خیلی اطلاعات زیادی از آن ندارم. رادیوهای برون‌مرزی داشتیم اما می‌دانم فعالیت‌های رسانه‌ای ما به گستردگی دشمن نبود. حتی در خط مقدم قوی‌ترین امواج رادیویی را عراقی‌ها داشتند و گاهی اوقات به سختی امواج رادیویی خودمان را می‌گرفتیم. رادیو آن زمان به قدری مهم بود که شهر دزفول برای خودش یک شبکه رادیویی شد. معمولاً مراکز استان شبکه رادیویی دارند ولی به خاطر اهمیتی که شهر دزفول از قدیم داشت یک شبکه رادیویی ویژه به این شهر داده بودند. دزفول قبل از انقلاب یک شبکه رادیویی داشت که به خاطر اهمیتش آن را حفظ کردند و در کنار رادیواهواز به کارش ادامه می‌داد. حتی بستگانمان می‌گفتند در بعضی شهرستان‌های درگیر جنگ، شبکه‌های تلویزیونی عراق راحت‌تر از شبکه‌های داخلی ایران گرفته می‌شد. آن زمان ما در جنگ رسانه‌ای خیلی هزینه نمی‌کردیم و در عوض عراقی‌ها خیلی در این زمینه کار می‌کردند. یکسری از روحانیون مخالف جمهوری اسلامی و منافقین خیلی در ساخت برنامه‌ها به عراقی‌ها کمک می‌کردند. البته این رادیوهای بیگانه یک کارکرد خیلی مهم برای مردم داشت. وقتی بعثی‌ها رزمندگان را می‌گرفتند، آنها در رادیوعراق از خودشان می‌گفتند. برخی آزادگان خودشان را که معرفی می‌کردند، اسم چندین نفر دیگر را هم می‌بردند تا خانواده‌هایشان از وضعیت‌شان مطلع شوند. همچنین عراقی‌ها خیلی از بردن رادیو در اردوگاه‌ها توسط آزادگان می‌ترسیدند چون ایرانی‌ها اخبار را می‌شنیدند و در جریان اتفاقات قرار می‌گرفتند که آنها این موضوع را نمی‌خواستند. یک بار یکی از امدادگران به صورت قاچاقی یک رادیو را با خود به اردوگاه می‌برد و وقتی بعثی‌ها متوجه می‌شوند او چنین کاری را انجام داده است، اوضاع بغرنجی به وجود می‌آید و او را به خاطر این کار خیلی شکنجه می‌کنند و در آخر به یک اردوگاه دیگر می‌برند. تازه این رادیو باتری نداشت و قرار بود آزاده دیگری برایش باتری ببرد. یعنی از یک رادیویی که کار نمی‌کرد، آنقدر وحشت داشتند. رادیو آن زمان در عرصه‌های مختلف خیلی مهم بود.

> رادیو زمان جنگ ۲۴ساعته خبرهای مناطق جنگی را مخابره می‌کرد و به خاطر پخش آژیر خطر در خانه‌ها شبانه‌روز باز بود. وقتی آژیر خطر پخش می‌شد، مساجد و ارگان‌ها در بلندگوهایشان آژیر را پخش می‌کردند تا همه بشنوند. آن زمان تلویزیون هم در خانه‌ها بود ولی برنامه‌هایش محدود بود و تازگی و جذابیت برنامه‌های رادیو را نداشت

با این تفاسیر گزارشگران رادیو هم نقش خیلی پررنگ و مهمی داشتند؟

برخی گزارشگران رادیو برای تلویزیون هم گزارش‌های تصویری می‌گرفتند. بیشتر گزارشگران رادیو با ناگرا کار می‌کردند و برخی هم ضبط صوت داشتند. خودم ضبط صوت‌های بزرگی که بود را با چندین باتری روی دوشم می‌انداختم و به جبهه می‌رفتم. تمام خطراتی که رزمندگان را تهدید می‌کرد، خبرنگاران و گزارشگران را هم تهدید می‌کرد. گاهی توپ و خمپاره کنار ماشین‌هایمان می‌خورد و خطر همیشه تهدیدمان می‌کرد. گزارشگران و خبرنگاران زیادی از رادیو و تلویزیون در دوران جنگ شهید شدند.

از آنجا که مردم بیشتر رادیو گوش می‌کردند، گزارش‌های رادیویی بیشتر از تلویزیون طرفدار داشت. یکی از برنامه‌های جذاب رادیو، گفت‌وگو با رزمندگان بود. رزمندگان در گفت‌وگوهایشان در کنار معرفی خودشان از نقطه‌نظرات و عقایدشان می‌گفتند یا مردم را در جریان وضعیت جبهه‌ها قرار می‌دادند. صبح‌ها ساعت ۷ رادیوتهران با رزمندگان کشور مصاحبه می‌کرد و هر روز این برنامه پخش می‌شد. من به مدت ۲۰ دقیقه در رادیوزنجان برنامه داشتم. به منطقه می‌رفتم و گزارش‌هایم را می‌گرفتم که در طول هفته پخش می‌شد. جالب این بود که در بازار همه مردم این برنامه را گوش می‌کردند و می‌خواستند از وضعیت رزمندگان اطلاع پیدا کنند. رادیو بازخورد خیلی زیادی داشت. کسبه همه در مغازه‌هایشان یک رادیو داشتند که دائم روشن بود. در کنار کسب اطلاع از وضعیت جبهه و جنگ، شنیدن صحبت‌های امام خمینی هم یکی دیگر از جذابیت‌های شنیدن رادیو بود. ارتش موظف بود وضعیت قرمز، عادی و زرد را به رادیو و تلویزیون اعلام کند. یک خط مستقیم از ارتش به صداوسیما برای پوشش اخبار بود. همچنین باید از کسانی که کنار اپراتورهای رادیو بودند، یاد کنیم که کارشان خیلی سخت بود. زمان آژیر خطر باید بدون فوت وقت کارشان را انجام می‌دادند. این آژیرها برای مردم پشت جبهه خیلی مهم بود. در رادیو همه هر لحظه آماده و گوش به زنگ بودند. رادیو در مواقع اضطراری نقش خیلی پررنگی داشت و مردم با دقت به برنامه‌های رادیو گوش می‌کردند.

یکی از کارکردهای رادیو در کنار کسب اخبار، وجه حماسه‌سازی هم بود؟

بله، کشور در شرایط جنگی قرار داشت و رزمندگان در منطقه از مخاطبان رادیو بودند و باید به این وجه توجه می‌شد. در شهرستان‌ها همچنین اطلاع‌رسانی از اعزام به جبهه از طریق رادیو انجام می‌شد. افراد زیادی در زمان جنگ در پشت جبهه در رادیو زحمت می‌کشیدند. جبهه که خود به خود جبهه نشد. از رسانه‌ها که بخش اعظم آن رادیو بود، تبلیغات و خبررسانی انجام می‌شد و مردم را در جریان اتفاقات می‌گذاشت. همچنین برخی خبرنگاران به شهرها می‌رفتند و از نزدیک مشاهداتشان را به مردم می‌گفتند. اینها همه ارتباط جمعی است. سپاه و جهاد هم کار زیادی در بخش تبلیغات و خبررسانی می‌کردند. متأسفانه ما از آرشیوهایمان خوب استفاده نکردیم و بسیاری از فایل‌هایی که آن زمان ضبط کرده بودیم، الان دیگر وجود ندارد. این اتفاق ناراحت‌کننده‌ای است چراکه این فایل‌ها بخش مهمی از تاریخ دفاع مقدس است.

رادیو گوش کردن هم برای خودش جذابیت‌هایی داشته است. مردم کنار هم می‌نشستند، اخبار رادیو را گوش می‌کردند و درباره‌شان صحبت می‌کردند؟

بله، مثلاً خانم‌ها هنگام پاک کردن سبزی به صورت دسته‌جمعی رادیو را هم روشن می‌کردند و در جریان اخبار قرار می‌گرفتند. در جمع‌های خانوادگی رادیو حضور مهمی داشت. حتی هنگام صبحانه خوردن یا شام خوردن رادیو روشن بود و همه اعضای خانواده به اتفاق به رادیو گوش می‌کردند. جایی که برق نبود باید از باتری استفاده می‌شد. باز همین مورد هم یکی از دلایل استقبال مردم از رادیو بود. خیلی راحت‌تر و در دسترس‌تر از تلویزیون بود. تلویزیون را تا می‌خواستی روشن کنی و شبکه‌هایش بیاید، زمان می‌برد ولی استفاده از رادیو خیلی ساده و راحت بود.

یادکرد

«رهبر» اولین خبرنگار شهید صداوسیما لقب گرفت

گزارش‌هایش منبعی موثق برای فرماندهان بود

■ آرمان شریف

اگر در خط مقدم و زیر آتش سنگین توپ و گلوله خبرنگاران حضور نداشتند و گزارش‌های خبری‌شان را به پشت جبهه مخابره نمی‌کردند، بخش مهمی از رشادت و ایثارگری رزمندگان مغفول می‌ماند. خبرنگاران که در شجاعت و دلیری کم از رزمندگان نداشتند، پا به پای آنها به مناطق عملیاتی می‌رفتند و با اخبار و گزارش‌هایشان مردم پشت جبهه را در جریان اتفاقات جبهه‌ها قرار می‌دادند.

شروع جنگ تحمیلی پای شهید غلامرضا رهبر را به جبهه باز کرد تا بعدها از او به عنوان مبدع شیوه خبرنگاری جنگ در ایران یاد شود. او به عنوان نماینده صداوسیما و هماهنگ‌کننده اکیپ‌های خبری صداوسیما به مناطق جنگی اعزام می‌شد و بارها از اسکله الامیه و دلاوری‌های رزمندگان اسلام تصاویر زیبایی تهیه می‌کرد که هنوز آن گزارش‌ها به عنوان الگویی برای خبرنگاری جنگی به شمار می‌رود.

استعداد ذاتی رهبر در توصیف صحنه‌های جنگ و گزارش گرفتن در جبهه شکوفا شد.

> خبرنگارانی که با او در جبهه حضور داشتند، تأکید می‌کنند که شهید رهبر اصلاً خبر را روی کاغذ پیاده نمی‌کرد، فی‌البداهه آن را در ذهنش تنظیم و مستقیم و زنده مقابل دوربین قرائت می‌کرد. چهره و صدای گیرایش نیز به دل مخاطب می‌نشست و این امر باعث می‌شد تا تولید خبر یا گزارش موفقی داشته باشد

او با صدایی گیرا که تا عمق جان شنونده نفوذ می‌کرد، با شور و هیجانی خاص گزارش‌هایش را از دل مناطق عملیاتی برای مردم مخابره می‌کرد. همیشه در گزارش‌هایش آیه‌ای از قرآن می‌خواند و مردم کیلومترها آن طرف‌تر پای رادیو مشتاق شنیدن صحبت‌هایش می‌شدند. در مورد تأثیرگذاری شهید رهبر همین بس که محسن رضایی در گفت‌وگویی گفته بود: تا خبری توسط غلامرضا رهبر مخابره نمی‌شد، از صحت آن اطمینان پیدا نمی‌کردم. این جمله یعنی خبرنگار و رسانه به درست‌ترین شکل ممکن وظیفه رسانه‌ای خود را انجام می‌داد و به یک منبع مورد اعتماد برای مسئولان و مردم تبدیل می‌شد.

خبرنگارانی که با او در جبهه حضور داشتند، تأکید می‌کنند که شهید رهبر اصلاً خبر را روی کاغذ پیاده نمی‌کرد، فی‌البداهه آن را در ذهنش تنظیم و مستقیم و زنده مقابل دوربین قرائت می‌کرد. چهره و صدای گیرایش نیز به دل مخاطب می‌نشست و این امر در کنار شجاعت و حضور فیزیکی او در رویدادها باعث می‌شد تا تولید خبر یا گزارش موفقی داشته باشد.

یکی از ماندگارترین گزارش‌های شهید رهبر به فشار دشمن به شهر آبادان برمی‌گردد. در روزهایی که خانه‌های مردم زیر توپ و تانک بعثی‌ها قرار داشت و آنها برای اشغال شهر هر روز فشارشان را بر شهر بیشتر می‌کردند، یک صدای گرم باعث دلگرمی همه بود. وقتی آبادانی‌ها پیج رادیویشان را می‌پیچاندند، صدای آشنای غلامرضا رهبر را می‌شنیدند که می‌گفت: «اینجا رادیو آبادان؛ صدای جمهوری اسلامی ایران» و با قدرت و آرامش، نام جمهوری اسلامی و شهر زیبای آبادان را به زبان می‌آورد و ادامه می‌داد: «هنا آبادان...» یعنی اینجا آبادان است و آبادان می‌ماند. جملاتش را به زبان عربی هم می‌گفت تا بعثی‌ها بشنوند و بدانند آبادان همیشه برایمان می‌ماند. شهید رهبر به خوبی از نقش رسانه آگاه بود و قواعد کار خبرنگاری را می‌دانست. او از بار تک‌تک کلماتش آگاه بود و سعی می‌کرد جملاتش را طوری بیان کند تا بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد.

شهید رهبر حضور پررنگی در خط مقدم داشت. هنگامی که بحث انهدام سکوهای الامیه و البکر پیش آمد، شهید رهبر از حیطه کاری خودش که به نوعی می‌توان گفت خوزستان بود، فاصله گرفت و با رزمندگان به خلیج فارس رفت و گزارش معروفی از انهدام این سکوها تهیه کرد و این گزارش بارها از صدا و سیما پخش شده است.

شهید رهبر در جریان عملیات بزرگ کربلای۵ شهد شیرین شهادت را نوشید. او چندین بار در عملیات‌های مختلفی مجروح شده بود و همواره از آرزوی همیشگی‌اش که شهادت بود، پیش دوستانش صحبت کرده بود. بیژن نوباوه درباره شهادت این خبرنگار چنین می‌گوید: «یکی از زیبایی‌های شهید شدن غلامرضا رهبر این است که هیچ کس از آن اطلاعی ندارد؛ یعنی زمانی که وی زخمی می‌شود و او را در یک نفربر زرهی قرار می‌دهند، دیگر هیچ کس نمی‌داند که چه بر سر پیکر او می‌آید. اصلاً در جابه‌جایی‌ها مشخص نیست که او هدف قرار گرفته و آخرین تصاویری هم که از او موجود است، زخمی می‌شود و او را روی نفربر زرهی قرار می‌دهند.»

سال‌ها از آن زمان می‌گذرد، اما تا به امروز هیچ خبری از پیدا شدن پیکر مطهر شهید رهبر، همراهانش و دو خدمه آن نفربر نشده است. شاید تقدیر این‌گونه باشد که همچنان باید منتظر ماند تا بلکه سرانجام خبری از آنها به دست آید.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۷۲۰

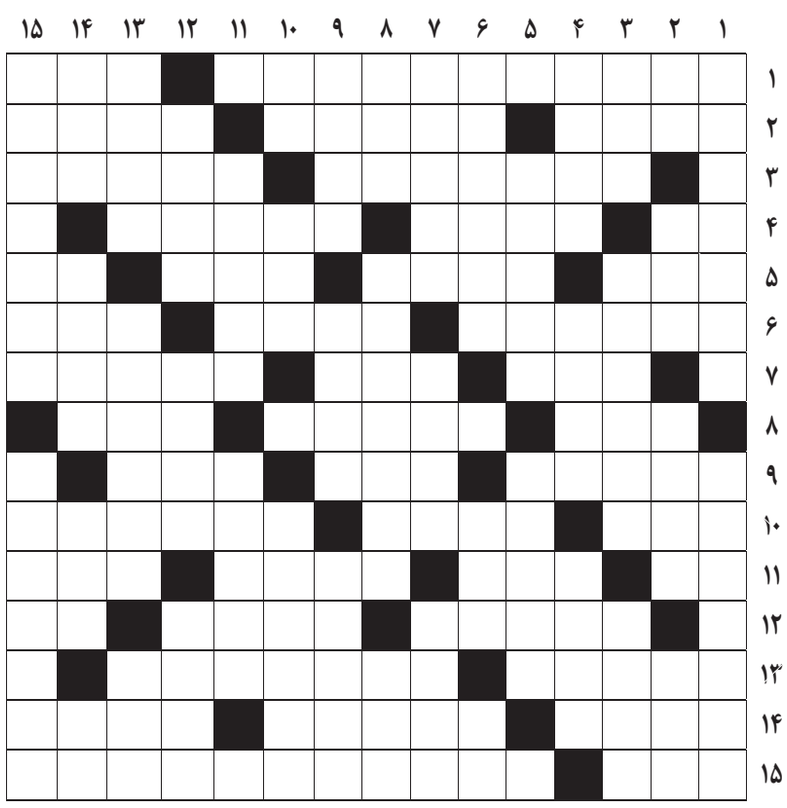

از راست به چپ

■ ۱- کنایه از رنج بسیار بردن- نفت تصفیه نشده ■ ۲- روایت کننده- به دیدن بیمار رفتن- امیران ■ ۳- به سوگ نشستن- مزه کردن ■ ۴- دشمن آتش- همتا، برابر- دستور ■ ۵- واحد شمارش مغازه- باد خنک- سمی- اسب تبریزی ■ ۶- گل نفیس آپارتمانی- صمغ- آب دهان ■ ۷- بیماری مرگامرگی ستور- شهری در فلسطین- مددکار ■ ۸- حرکتی در فوتبال برای تصاحب توپ- ربه‌النوع عقل و جنگ نزد یونانیان- میدانی قدیمی در تهران ■ ۹- خویشان- سرنخ معدن- قطعی برای کاغذ ■ ۱۰- دشتی در ایران- پیمان آتلانتیک شمالی- شکستگی نور ■ ۱۱- حرف خطاب- مجلس بزم- راهب بودایی- امتحان ■ ۱۲- تنبل- پیکار و جنگ- افشای راز ■ ۱۳- عالم الهی- پیشرفت نکردن ■ ۱۴- گاز تبلیغاتی- نرخ گذاشتن برای چیزی- بیماری چهارپایان ■ ۱۵- ایستگاه قطار- تلافی‌جویی

از بالا به پایین

■ ۱- شهر قلعه فلک‌الافلاک- از وسایل بازی در پارک‌ها ■ ۲- گشوده- نوعی پرنده شکاری- زهد- کلمه استفهام ■ ۳- صنف و گونه- تحریم سیاسی- شجاعت ■ ۴- شهر اهرام مصر- زانوی در- دیوانگی ■ ۵- از نعمت‌های پنهای خدادادی- کتاب قائم مقام فراهانی ■ ۶- سریع و آنی- خو و الفت- صدای ضربه به در ■ ۷- ساخته تصور- تعصب- شهری در اوکراین ■ ۸- پسوند شباهت- گیاهی است شبیه نعناع که مصرف دارویی دارد- هراس ■ ۹- پشت سر هم- از عشاق درون کتاب- شهر توربین‌های بادی در گیلان ■ ۱۰- دختر لر- نوعی زمین مسابقات تنیس- مخزن قوه برق ■ ۱۱- پیاله شراب- نصیحت ■ ۱۲- نوشیدنی- نقاب- هدهد به‌هم ریخته ■ ۱۳- کمره فعلی- سرکش و نافرمان- اسم ■ ۱۴- گندم سوده شده- جزیره- از نام‌های خدا- کهنه و فرسوده ■ ۱۵- صفحه نمایش کامپیوتر- نیروگاه اتمی اوکراین که حادثه‌ساز شد

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۲				۹		
		۶			۴	۱		
		۳		۶	۵			
۱			۲					۸
۹						۳		۵
			۸					۹
	۶			۱			۴	
	۷			۳	۶			
	۴						۸	

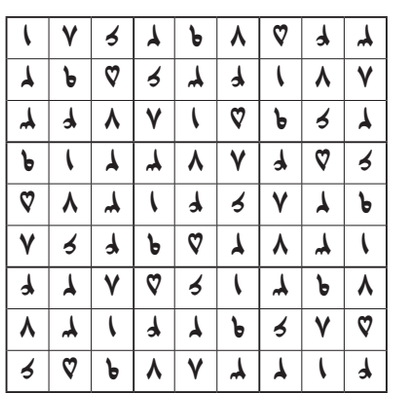

جدول کلمات متقاطع
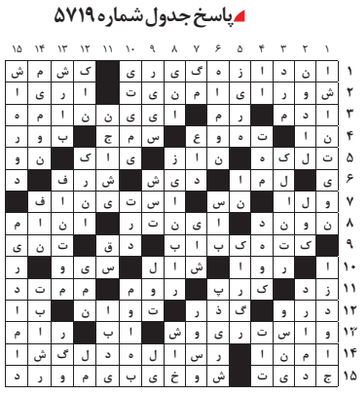
پاسخ جدول شماره ۵۷۱۹